

متجاهرها تر خیس نشدند

اصل و شرح

مرکز ماده ۱۶ استاد مبارزه با مواد مخدر در طول جنگ تحمیلی سوم درگیر نگهداری از جمع زیاد معتادان بودند. مدیر کل در زمان ستاد مبارزه با مواد مخدر در این باره

به همشهری می گوید: «ما هیچ یک از افرادی را که در مراکز ماده ۱۶ نگهداری می شوند، مرخص نکرده ایم. اساساً این افراد را نمی توان بدون دستور قضایی ترخیص کرد. د. سلیمان عباسی با اشاره به اینکه مطالبات مراکز پرداخت و تسویه شده اند، تأکید می کند: «برخی خانواده ها که نگران بودند به مراکز ماده ۱۶ مراجعه کردند و

موج بلند خلیج فارس در فضای مجازی

بررسی رشد عظیم همبستگی ملی و تعامل رسانه های اجتماعی در موضوع خلیج فارس ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۶

یک دهه داده:

خلیج فارس: اوج وحدت ایرانیان

دستاوردهای کنشگری

اجماع ملی بی سابقه:

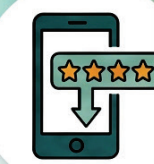
هیچ کاربری نام خلیج فارس را به چالش نکشید (این نشان دهنده وحدت کامل و یکصدایی در فضای مجازی پیرامون موضوع خلیج فارس است.)

تأثیر پویای دیجیتال:

کمپین هدفمند مردمی با موفقیت، رتبه بندی نقشه های گوگل را از ۴ به ۱ کاهش داد (گوگل با استفاده از واژه جعلی برای خلیج فارس اعتبار جهانی اش را کاهش داد.)

تسلط جهانی هشتگ:

#persiangulf با موفقیت به رتبه اول در ترندهای جهانی رسید.



خلیج فارس
۱,۱۹۰,۰۰۰ توییت
می سال ۲۰۲۵

افزایش انفجاری
۱۲۲,۷۸۶ توییت
سپتامبر ۲۰۲۲

رشد اصلی
۹,۰۲۵ توییت
نوامبر ۲۰۱۹

رشد ۱۳۰ برابری
بخت های اجتماعی
در مدت ۱۰ سال گفت و گو درباره خلیج فارس در فضای مجازی ۱۳۰ برابر بیشتر شد

۱۰۳ میلیون

ایمپرشن
بازدید جهانی پست های مرتبط با خلیج فارس دیجیتال در نقطه اوج زمانی

این عدد تاریخی ترین رکورد با عنوان خلیج فارس در فضای مجازی تا امروز است

افزایش انفجاری و قابل توجه توییت ها چشمگیر است

این عدد مبنای رشد اصلی توییت ها با موضوع خلیج فارس در فضای مجازی در یک دهه گذشته است

کاربران ایرانی در هر جای دنیا در فضای مجازی مدافع نام خلیج فارس هستند. این پهنه آبی همیشه محور وحدت ایرانیان بوده است و رشد پیام های که در شبکه های اجتماعی مخصوصاً توییت (ایکس) با موضوع خلیج فارس نوشته شده در سال افزایش یافته است. بررسی یک دوره ۱۰ ساله پیام ها حاکی از موفقیت تلاش ایرانیان برای دفاع از خلیج فارس در دنیای دیجیتال است.

تکامل گفتمان توییت فارسی خلیج فارس از یک موضوع خاص به وحدت بخش ترین نماد ملی در فضای دیجیتال تبدیل شده است.



صفحه ۱ مهدی سلامی

درسی به یاد بچه های میناب



خاطره دانش آموزان میناب که مظلومانه و با موشکیاران آمریکا شهید شدند، در قامت یک غم جمعی شناخته می شود و بسیاری این غم را عیار سنجی برای انسانیت معرفی می کنند. این غم چنان بر دل ایرانی ها نشست

است که حتی بچه ها در کلاس رفع اشکالی که در گوشه خانه پر گزار می شود، از میناب می پرسند؛ درست مانند تصویر این کلاس درس کوچک که معلم هنگام آموزش حل مسئله ریاضی به خواسته یکی از دانش آموزانش

مسئله ای به یاد بچه های میناب نوشت: «مسئله کار می کردیم، با آمدن گفت خانم می شه از بچه های میناب مسئله بگیریم». معلم هم روی تخته نوشت: «معلم مدرسه میناب برای دانش آموزان ۲۵ جایزه خرید...»

صف بازگشت به وطن در جنگ

روایتی از ۶۳۰ هزار ایرانی که در روزهای جنگ تحمیلی سوم به وطن بازگشتند و توان دل کندن از وطن نداشتند

گروه گزارش | در روزهایی که جنگ و موشکیاران در خبرها تکرار می شد، مرزهای زمینی ایران پر بود از سرداران و زنانی که راه سخت بازگشت را بر آرامش دور از وطن ترجیح دادند؛ آنهایی که بلیت های کنسل شده، پروازهای لغوشده و مسیرهای چندروزه هم نتوانست مانعشان شود؛ از جوانی که از فرانسه

خودش را به تهران و پرچم گردانی چهارراه ولیعصر (عج) رساند تا مادری که ۲ شبانه روز میان استانبول و وان و قطار بازگشت سرگردان شد. روایت های ۶۳۰ هزار نفری که در زمان جنگ به ایران آمدند، همه به یک نقطه ختم می شود: «باید برمی گشتم.»

دلواپس دور از خانه

خبر حمله به ایران را چند ساعت بعد از وقوع آن شنیدم؛ درست وقتی که از حسابرسی فاکتورهای شرکت کلافه شده بود. کنایون خسروی فنجان قهوه اش را برداشتم و کنار پنجره نیمه باز محل کارش در خیابانی در مسکو ایستاد تا سرش هوایی بخورد؛ «بیشتر از ۲۵ سال است که مسکو زندگی می کنم؛ تاجرم، ولی هیچ وقت به اندازه آن روز کلافه نبوده ام. دلم شور می زد...» تا اینکه مارینا (دوستش) خبر جنگ را به او رساند: «نگران خانواده ام بودم، نه تماس تلفنی و نه تماس اینترنتی می توانستم بگیرم. هیچ پرواز و هواپیمایی هم نبود، تا پایش به ایران برسد کارش خیر خوانی بود. ۷ هزار کیلومتر دور از خانه و خانواده ام بود؛ «بعد از مدتی توانستم بلیت پرواز مسکو-آذربایجان تهیه کنم. از آذربایجان هم زمینی رفتم ترکیه و مرز بازرگان و بعد هم تهران. توی مسیر چیزهایی دیدم و شنیدم که دیگر فقط نگران خانواده خودم نبودم؛ نگران همه مردم و مردم و ایران.» کنایون از سر همین نگرانی ها چند شب به جمع جمع کنندگان پیوسته و در جواب آنها که گفتند «تو یا دیوانه ای که توی این شرایط برگشته ای ایران، یا آدم سیاسی هستی» یک جمله گفته که «نه دیوانه و نه سیاسی! ایرانی ام.»

مسیر سخت بود اما برگشتم

عشق به فرزندی و وقتی با عشق به وطن گره بخورد، تبدیل به معجزه ای از دوست داشتن می شود؛ درست مانند حس وحالی که خانم زندی در سفر برپنج خمش از آلمان به تهران طی کرد. او در این رابطه به همشهری می گوید: «من برای این سفر از قبل برنامه ریزی کرده بودم، اما پرواز ما مصادف شد با روز اول جنگ. تمام بلیت های کنسل شدند. ۲ هفته منتظر ماندم، بعد اتفاقی یک ویدیو در اینستاگرام دیدم که گفت مرزهای زمینی ایران باز است. وقتی این خبر را دیدم، گفتم توکل به خدا، برمی گردم پیش مردم و بچه هایم.» مسیری که زندی طی کرد، چندان آسان نبود، اما این مادر را در کنار بازگشت: «از آلمان هوایی آمدیم استانبول. نزدیک به ۳ ساعت در استانبول معطل شدیم تا سوار هواپیمایی وان بشویم. به وان که رسیدیم چند ساعت در راه آهن منتظر شدیم تا قطار حرکت کند. تقریباً ۳ روز کل این مسیر طول کشید.» این مادر سال را در کنار ایرانی های دیگر و در قطار مسیر بازگشت به وطن، نو کرده «توی راه نمی ترسیدیم، چون این عشق آنقدر زیاد بود که هیچ ترسی وجود نداشت. توی ایستگاه قطار هم پر از آدم هایی بود که مثل ما برگشته بودند و می خواستند وارد ایران بشوند. ما با هم سال را در قطار نو کردیم، خیلی فضای خاصی بود.»

مکت

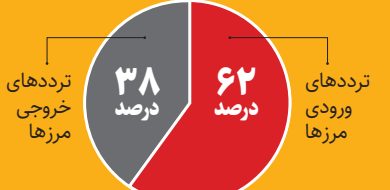
انتخاب وطن در روزهای جنگ

در حالی که در اکثر جنگ ها و منازعات دنیا شاهد ترک وطن و مهاجرت گسترده شهرنویان درگیر جنگ هستیم، آمار و ارقامی که توسط سردار سعید منتظرالمهدی، سخنگوی فراجا در یادداشتی منتشر شده، نشان می دهد در روزهای پس از جنگ تحمیلی سوم بسیاری از ایرانیان خارج از کشور مهاجرت معکوس داشته اند و در این ایام به وطن بازگشته اند.

۶۳۰,۰۰۰ نفر

در روزهای جنگ تحمیلی سوم به ایران بازگشتند.

تردد در مرزهای کشور



مهاجرت از اروپا و کشورهای همسایه

بخش قابل توجهی از ورودی ها مربوط به کشورهای اروپایی و کشورهای همسایه بوده است.



بلژیک، فرانسه، گرجستان، ترکیه

مبدأ سفر ایرانیان برای بازگشت به وطن بوده است.

حساب پرچم و خاک جداست



روز بیستم جنگ تحمیلی سوم و همه فکر و ذکر افشین، بازگشت از فرانسه به ایران است. در مقابل، دوستان و همکاران فرانسوی اش که طی اقامت ۱۶ ساله با آنها آشنا شده، سعی دارند او را از بازگشت منصرف کنند؛ «کجا می روی وسط این جنگ؟»، «کشته می شوی»، «کمی صبر کن، بالاخره با خانواده ات حرف می زنی و آرام می شوی». اما افشین غباریان گوشش به این حرف ها پدھکار نبود؛ «آرام و قرار نداشتم. احساس می کردم اخباری که از رسانه های غیر ایرانی می شنوم و می بینم دروغ است.» بازنگر تئاتر است و از همان روز نخست جنگ، تصویر پروفایل خود را در شبکه های اجتماعی، پرچم ایران گذاشته؛ «از فرانسه تا استانبول را با هواپیما آمدم و بعدش با اتوبوس تا مرز بازرگان، ماکو، تبریز و تهران.» «تقدیر دانگ و نگران ایران بود که نخستین اقدامش بعد از رسیدن به تهران، پرچم گردانی در چهارراه ولیعصر (عج) بود؛ «شعار نمی دهم، چالپوسی هم نمی کنم، ولی کاش همه مان حساب پرچم و خاک را از خیلی چیزها جدا کنیم.»

اول به پایوس امام رضا رفتم

مرتضی یک جوان دهه شصتی است که ۱۰ سال از شروع زندگی اش در هلند می گذرد. او از همان نخستین روزی که مسیر مهاجرت را انتخاب کرد، با خودش عهد کرده که هر ماه برای دیدن خانواده راهی ایران شود؛ حتی در میانه جنگ، مرتضی در زمان جنگ ۱۲ روزه خود را به ایران رساند و در روزهای آتش بس جنگ تحمیلی سوم هم که شرایط برای پروازهای هوایی مهیا شد، با نخستین پرواز از هلند راهی تهران شد. او در مورد دلیل بازگشتش می گوید: «وقتی آدم دور است، همه چیز سخت تر می شود. هم سرگردم و پیش خانواده ام و مردمم باشم.» این جوان کرد که باید برگردم و پیش خانواده خودم نبودم؛ نگران همه دهه شصتی توضیح می دهد: «وزی که پروازها باز شد، یک لحظه هم تعلل نکردم. باید این روزها برمی گشتم که برگردم، من طلاق نیآوردم. باید این روزها برمی گشتم به وطن. این بار هم که برگشتم، مثل همیشه اول به پایوس امام رضا رفتم.»